

غزل شماره ۳۱۲

بُشْرَى إِذِ السَّلَامَةِ حَلَّتْ بِذِي سَلَمٍ

بِئْسَ حَمْدٌ مُعْتَرَفٍ غَايَةِ النِّعَمِ

آن خوش خبر کجاست؟ که این فتح مرده داد
تا جانِ فشانمش چو زرو سیم در قدم

از بازگشت شاه در این طرفه مترل است
آهنکِ خصم او به سراپرده عدم

پیمان شکن هر آینه گردد شکسته حال

انَّ الْعَهْدَ عِنْدَ مَلِكٍ السُّنْبُ ذِمَّةٌ

می جست از سحابِ اهلِ رحمتی ولی

جز دیده اش مُعاینه بیرون نداد نم

در نیلِ غم قنادرش به طغر گفت

الآن قد ندمت وما یففع الندم

ساقی چو یارمه رخ و از اهلِ راز بود

حافظ بخورد باده و شیخ و فقیه هم

تفسیر فال

کسی که به شما جفا کرده است، اکنون خود در دام گرفتار آمده و در شرایط دشواری به سر می‌برد. ابرهای رحمت و برکت به سوی شما روانه شده‌اند و در مقابل، جور و ظلمی که او بر شما روا داشته، حالا به سوی خودش بازمی‌گردد. در این زمینه، می‌توان گفت که خبر خوش به سمت شما سرزیر می‌شود، در حالی که خبر بد نصیب او خواهد شد. بنابراین، شایسته است که رازها و احساسات خود را با دقت حفظ کنید و اجازه ندهید کسی از ضعف‌هایتان آگاه شود. عهد شکسته‌ای که میان شما وجود داشته، اکنون به نفع شماست؛ چراکه این تجربه نه تنها درس عبرتی برای آینده خواهد بود بلکه فرصتی عالی فراهم می‌آورد تا بتوانید عهدی جدید ببندید. این تجارب تلخ نه تنها موجب رشد شخصی خواهند شد بلکه قدرت شما برای انتخاب‌های بهتر را نیز تقویت خواهند کرد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)